سال سقوط سال فرار سال سیاه ۲۰۰۰

«برای دروازه‌بان بودن باید کمی دیوانه بود!» شاید شما هم این جمله را شنیده باشید. دروازه‌بان‌ها ترجیح می‌دهند از کلمه «خاص» یا «متفاوت» به جای «دیوانه» استفاده کنند. مردی که تمام مدت در داخل باکس ۱۸ قدم به بازی خیره می‌شود و نامش وقتی تکرار می‌شود که بتواند تیم را با یک حرکت خارق‌العاده از شکست نجات دهد.

ممکن است ۹۰ دقیقه انتظار بکشد اما هیچ توپی به سمتش شلیک نشود تا «خودی» نشان بدهد. برای همین کسی مثل «رنه هیگوئیتا» دروازه‌بان مشهور کلمبیایی ترجیح می‌داد با حرکت «عقرب» به توپ ضربه بزند یا با دریبل زدن مهاجمان حریف برای خود شهرت کسب کند. کسانی مثل «خورخه کامپوس» کوتاه قامت لباس‌های عجیب با رنگ‌های قرمز و سبز و زرد تند می‌پوشند، برخی ضربه کاشته و پنالتی می‌زنند و ... آنها دوست دارند دیده شوند، متفاوت باشند و نام‌شان مثل مهاجم‌هایی که با گل زدن محبوب هواداران می‌شوند، به تالار افتخارات راه پیدا کنند.

در این میان شاید یک دروازه‌بان در دهه گذشته با رفتاری شگفت‌انگیز همه را غافلگیر کرد. شماره یک تیم ملی آرژانتین «کارلوس روآ»! مردی که پیشنهاد وسوسه انگیز منچستریونایتد را تنها به یک دلیل رد کرد: جهان در سال ۲۰۰۰ به پایان می‌رسد!

نام: کارلوس روآ
تولد: ۱۵ آگوست ۱۹۶۹ در سانتافی آرژانتین
لقب: پنجه طلا - متخصص پنالتی
باشگاه‌ها: راسینگ، لنوس، مایورکا، آلباسته، المپیو

او یک ستاره متفاوت در تاریخ فوتبال است. دروازه‌بانی که همیشه کتاب مقدس را با خودش حمل می‌کرد، در کشوری که خوشگذرانی و شادخواری و باده‌نوشی از بخش‌های غیرقابل انفکاک فرهنگ آن به شمار می‌رود، او طرفدار منع استعمال مشروبات الکلی بود، برنامه غذایی متفاوتی داشت و آنقدر در گیاهخواری افراط می‌کرد که به او لقب «کاهو» داده بودند. در جام جهانی ۱۹۹۸ و در میان ستاره‌های آبی و سفیدپوشان او با قد ۱۹۱ سانتیمتری و موهای کمی آشفته و بلند دوشادوش خاویز زانتی، دیگو سیمیونه و خوان سباستین ورون می‌ایستاد. تورنمنتی که باعث شد او یک‌شبه به یکی از محبوب‌ترین ستاره‌های تاریخ فوتبال آرژانتین تبدیل شد. در مرحله یک هشتم نهایی آن رقابت‌ها شاید زیباترین رقابت بین آرژانتین و انگلیس در سنت اتین به نمایش گذاشته شد، جایی که در دیداری زیبا با رد و بدل شدن چهار گل، درخشش کم‌نظیر مایکل اوون جوان و خلق اصطلاح « چه می‌کنه» توسط عادل فردوسی‌پور بعد از گلزنی ستاره جوان لیورپول، اخراج پر حرف و حدیث دیوید بکام، بازی در نهایت به تساوی و سپس به وقت اضافه و ضربات پنالتی کشیده شد. ثانیه‌هایی که قلب میلیون‌ها نفر در سینه می‌تپید یک نفر آرام و مطمئن درون دروازه ایستاده بود. «کارلوس روآ» ضربه آخر پنالتی که توسط «دیوید بتی» نواخته شده بود را مهار کرد و آرژانتین باز هم در جام جهانی رقیب دیرینه‌اش را مغلوب کرد. خودش در مورد آن شب رویایی می‌گوید: «بعد از آن بازی لقب متخصص گرفتن ضربات پنالتی را به من دادند اما این را قبول ندارم».

روآ آن روزها در عضویت تیم مایورکای اسپانیا بود، درخشش در جام جهانی چشم الکس فرگوسن را خیره کرد و به او پیشنهاد کرد به اولدترافورد برود، جایی که می‌توانست جانشین شایسته‌ای برای اشمایکل بزرگ باشد اما او به یکباره اعلام بازنشستگی کرد و گفت جهان در سال ۲۰۰۰ به پایان می‌رسد و ترجیح می‌دهد کنار خانواده‌اش به انتظار این اتفاق بزرگ بنشیند. روا باورهای دینی‌اش را پنهان نمی‌کرد. او می‌گفت: «در جهان، جنگ، گرسنگی، طاعون، فقر زیاد و سیل وجود دارد. من می‌توانم به شما اطمینان بدهم که آن دسته از افرادی که یک ارتباط معنوی قوی با خدا ندارند دچار مشکل می‌شوند.»

اما ایده پایان دنیا یا آرماگدون چه بود؟

آرماگدون به «کوه مجیدو» (Magiddo) اطلاق می‌شود که در ۹۰ کیلومتری اورشلیم و ۳۱ کیلومتری جنوب غربی شهر کنونی حیفا واقع است. در اعتقادات مسیحی به پایان جهان آرماگدون گفته می‌شود که با کشته شدن ضد مسیح و پیامبر دروغین و با به زنجیر کشیده شدن شیطان خاتمه می‌یابد. با توجه به اعتقاد مسیحیان و یهودیان و بر اساس پیش‌بینی‌ها سال ۲۰۰۰ سال ظهور مسیح و نبرد آرماگدون و آخرالزمان بود. اتفاقی که دروازه‌بان آرژانتینی چنان به آن باور داشت که در اوج کفش‌هایش را آویخت و به روستای دنجی در آرژانتین رفت!

بازنشستگی یکباره شماره یک آرژانتین همه را شوکه کرد. روآ در یک منطقه روستایی به عبادات مخصوص کشیشان پرداخت و تمام وقت‌اش را صرف کلیسا، عبادت و مناسک ویژه انتظار پایان دنیا می‌کرد.

او درباره آن روزها می‌گوید: «تصمیم بسیار سختی بود. در شرایط بسیار حساسی قرار گرفته بودم. مطمئن بودم که این تصمیم به نفع خودم و خانواده‌ام خواهد بود. اگر از نظر فوتبالی به موضوع نگاه کنیم، می‌توان گفت که تصمیم درستی نبود. البته بازگشتم به میادین هم اصلاً آسان نبود. حتی تا به امروز هم بعضی اوقات افرادی که در خیابان به من می‌رسند، نسبت به این تصمیم اعتراض می‌کنند و می‌گویند که آنها را خوار کرده‌ام و سبب اشک ریختن‌شان شده‌ام. تصمیم عجیب و غریبی بود. به هر حال نمی‌توانم بگویم که تصمیم اشتباه و بدی بود، چرا که بعد از آن به چیزهایی دست یافتم و واقعیات زیادی در برابر دیدگانم روشن شد».

او شناختن دوستان واقعی، بودن در کنار خانواده و درک معنای آرامش واقعی را از دلایلی می‌شمارد که باعث می‌شود از تصمیم سال ۲۰۰۰ پشیمان نشود. روآ چالش‌های متفاوتی را تجربه کرده است که هرکدام از آنها می‌تواند یک نفر را از پای در بیاورد. روآ در یک سفر به همراه تیمش به آفریقا گرفتار بیماری مالاریا شد. بلایی که چندین ماه او را از میادین دور نگه داشت و داروهای ویژه‌ای از برزیل برای درمانش وارد شد. او به قول خودش ده عمل جراحی را از سرگذرانده است و در حالی‌که گمان می‌کرد بدشانسی‌هایش تمام شده است به یکباره اعلام شد که گرفتار سرطان شده است!

بعد از آنکه سال ۲۰۰۰ بی‌هیچ حادثه بزرگی برای کره زمین خاتمه یافت روآ دوباره به فوتبال بازگشت. جایی که هیجان و شور و اشتیاق تماشاگران او را انتظار می‌کشیدند اما سرطان... .

روآ می‌گوید: «در آلباسته بودم و از نظر جسمانی در شرایط بسیار خوبی قرار داشتم. همه از بازگشتم به تیم ملی صحبت می‌کردند اما خبر مبتلا شدنم به سرطان مرا کاملاً به هم ریخت. بسیار سخت است که یک فرد بداند زندگی‌اش به دست خودش نیست. ابتلا به سرطان همه چیز را به هم می‌ریزد. خانواده‌ام در شرایط بسیار سختی قرار گرفته بودند به ویژه زمانی که می‌دیدند موهای سرم به سرعت در حال ریختن بود. به هر حال خوشبختانه درمانم تا ۹۵ درصد با موفقیت همراه شد اما باز هم فکر کردن به پنج درصد دیگر سخت بود. به هر حال این بیماری، ایمان و اعتقادم به خداوند را بسیار زیاد کرد.»

روآ گرچه بازگشت پیروزمندانه‌ای داشت و دوباره درون دروازه خوش درخشید اما همچنان از باورهای خاص خودش دست نکشید. او هیچ‌وقت شنبه‌ها درون دروازه قرار نمی‌گرفت و باور داشت این یک روز در هفته به عبادت اختصاص دارد نه فوتبال!

دروازه‌بانی که می‌توانست نامش در تالار افتخارات «من یو» ماندگار شود، با تصمیمی عجیب تا یکقدمی کشیش شدن پیش رفت اما حالا می‌گوید: «امیدوارم که سال‌های سال با دخترانم زندگی کنم. آرزویم دیدن آنها در لباس عروسی است. دوست دارم که هیچ‌گاه نمیرم. امیدوارم که خود را در حالی که عصای پیری به دست گرفته‌ام ببینم.»